

Quarterly Journal of Village and Space Sustainable Development

Spring 2023, Vol.4, No.1, Serial Number 13, pp 101-116

doi 10.22077/vssd.2023.5727.1140



Analysis of income in rural areas of Iran

Davood Jamini^{1*}, Amin Dehghan²

1. Assistant Professor, Department of Geomorphology, Faculty of Natural Resources, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. (Part-time Researcher at Kurdistan Studies Institute, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran).

2. Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Human Sciences, Jiroft University, Jiroft, Iran.

*Corresponding author, Email: davood.jamini@gmail.com

Keywords:

Rural Economy, Income, Regional Inequality, Spatial Analysis

Abstract

Rural economy, as one of the most important dimensions of sustainable development of rural settlements, depends on several factors. Income is one of the key components affecting the sustainable development of rural economy; therefore, an acceptable level of it can influence the well-being and comfort of the villagers. Considering the many challenges of the rural society of Iran, investigating their income as well as identifying the factors affecting the income level of the rural society can prepare the ground for policy-making and planning to increase the income level and consequently develop rural economy. Therefore, the aim of this quantitative and applied research is to investigate and spatially analyze the level of income and identify the key factors influencing it in rural areas of Iran. The required data were obtained from Iran Statistics Center in 2022, and SPSS and ArcGIS software were used for data analysis. The spatial presentation of the income level in the provinces of Iran showed that most border rural areas were deprived or very deprived. The results of correlation between the level of income and the independent variables showed that the four variables of having welfare infrastructure, literacy percentage, the percentage of employees in the service sector and employees regularly working 49 hours and more had a statistically significant positive relationship with the income level of villagers and the three variables of the percentage of employees in the agricultural sector, the percentage of rural population and distance from the center (capital) had a statistically significant negative relationship with the dependent variable. The results of multiple regression showed that the two variables of having welfare infrastructure and the percentage of employees in the service sector with regression coefficients of 0.615 and 0.512, respectively, are included in the final fitted model (by explaining 63.6% of the income variance of the rural society of Iran), and they influence explaining the variance of income.

Received:

26/Oct/2022

Revised:

14/Dec/2022

Accepted:

05/Feb/2022

How to cite this article:

Jamini D., Amin Dehghan A. (2023). Analysis of income in rural areas of Iran. *Village and Space Sustainable Development*, 4(1), 101-116. 10.22077/vssd.2023.5727.1140





فصلنامه روستا و توسعه پایدار فضا

دوره چهارم، شماره یکم، پیاپی ۱۳، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۱۰۱-۱۱۶

10.22077/vssd.2023.5727.1140



تحلیل درآمد در مناطق روستایی ایران

داود جمینی*^۱، امین دهقانی^۲

۱. استادیار گروه ژئومورفولوژی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (پژوهشگر پاره وقت پژوهشکده کردستان

شناسی، دانشگاه کردستان)

۲. استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جیرفت، جیرفت، ایران

*نویسنده مسئول: davood.jamini@gmail.com

چکیده:

اقتصاد روستایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی، وابسته به عوامل متعددی است. در میان عوامل مؤثر بر توسعه پایدار اقتصاد روستایی، شاخص درآمد یکی از مولفه‌های کلیدی است که برخورداری از سطح قابل قبولی از آن، می‌تواند در تأمین رفاه و آسایش روستاییان مؤثر باشد. با توجه به چالش‌های متعدد جامعه روستایی ایران، بررسی و تحلیل وضعیت درآمد آن‌ها و همچنین شناسایی عوامل مؤثر بر سطح درآمد جامعه روستایی، می‌تواند بستر شناختی لازم را برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در خصوص تقویت سطح درآمد و به تبع آن توسعه اقتصاد روستایی فراهم نماید. از این‌رو هدف این پژوهش کمی و کاربردی، بررسی و تحلیل فضایی سطح درآمد و شناسایی عوامل کلیدی مرتبط با آن در مناطق روستایی ایران است. داده‌های مورد نیاز از مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰ اخذ شده و برای تجزیه و تحلیل آن‌ها، از نرم‌افزارهای SPSS و Arc GIS استفاده شده است. نمایش فضایی سطح درآمد در استان‌های کشور نشان داد اکثر مناطق روستایی مرزی، در سطوح محروم و بسیار محروم واقع شده‌اند. نتایج همبستگی میان سطح درآمد و متغیرهای مستقل پژوهش نشان داد چهار متغیر برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی، درصد باسواد، درصد شاغلین بخش خدمات و شاغلان با ۴۹ ساعت کار معمول و بیش‌تر، با سطح درآمد روستاییان ارتباط آماری معنی‌دار و مثبت داشته‌اند و سه متغیر درصد شاغلین بخش کشاورزی، درصد روستائینی و فاصله از مرکز (پایتخت)، با متغیر وابسته پژوهش رابطه آماری معنی‌دار منفی داشته‌اند. نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد دو متغیر برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی و درصد شاغلین بخش خدمات، به‌ترتیب با ضرایب رگرسیونی ۰/۶۱۵ و ۰/۵۱۲، در مدل نهایی برازش شده (با تبیین ۶۳/۶ درصد از واریانس درآمد جامعه روستایی ایران) قرار گرفته‌اند و در تبیین واریانس درآمد، اثرگذار هستند.

واژگان کلیدی:

اقتصاد روستا، درآمد، نابرابری منطقه‌ای، تحلیل فضایی.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۸/۰۴

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۱/۱۶

۱- مقدمه

نقش و جایگاه روستاها در فرایند توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مقیاس‌های مختلف محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی آن‌ها، موجب توجه به جوامع روستایی و حتی تقدم جوامع روستایی بر جوامع شهری شده است. از نظر مایکل تودارو ضرورت تقدم توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری، به این دلیل است که، کلید اصلی حل مشکلات و مسائل جوامع شهری، توسعه نواحی روستایی است (Riahi and Jamini, 2018: 2). با این وجود جوامع روستایی نسبت به مناطق شهری دارای روند کندتری از توسعه هستند (Shi et al, 2022: 3) تا جایی که امروزه این جوامع به‌عنوان کانون‌های تولید، در ابعاد مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی با چالش‌های متعددی (حجی‌پور و کریمی‌پور، ۱۳۹۹: ۸۸) مانند ضعف زیرساخت‌های فیزیکی، کمبود شدید خدمات اجتماعی، فقر، نقض حقوق بشر، فساد و سوء استفاده از کارگران، تبعیض، دسترسی ضعیف به امکانات آموزشی، ضعف درآمد و کمبود فرصت‌های شغلی، کاهش سطح تولیدات زراعی (Jamini and Dehghani, 2022: 2)، ضعف اشتغال‌زایی و بیکاری (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۱)، دسترسی محدود به امکانات زیرساختی (امینی و جمینی، ۱۳۹۳: ۱۷۵؛ قادرمرزی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۴)، مهاجرت از روستا به شهر (جمینی و همکاران الف، ۱۴۰۰: ۱۱۶) ناامنی غذایی و در مجموع سطح پایین رفاه (جمینی و جمشیدی، ۱۴۰۰: ۸۸) مواجه هستند.

در این میان بررسی‌ها نشان می‌دهد توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه، یکی از عوامل اصلی بروز مشکلات جوامع روستایی است (سیفی‌پور و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). توزیع برابر درآمدها در میان آحاد جامعه به‌عنوان یکی از مشخصه‌های اقتصاد سالم (مردانی و کرمی، ۱۳۹۲: ۴۸)، از عوامل کلیدی مرتبط با سطح فقر و رفاه اجتماعی در سطح جوامع روستایی است (رضایی قهرودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۳). سطح درآمد بالا می‌تواند در توسعه و ترویج مشارکت اجتماعی و به تبع آن تقویت سرمایه اجتماعی مؤثر واقع گردد و بالعکس، سطح پایین درآمد و نابرابری آن، باعث کاهش اعتماد می‌شود. فشارهای اقتصادی ناشی از پایین بودن سطح درآمد باعث می‌شود افراد در تعاملات و رفتارهای خود با دیگران، آن‌ها را به عنوان رقیب خود تلقی کنند نه هم‌تا و همکار خود. لذا افزایش شکاف درآمدی و بیکاری به تضعیف سرمایه اجتماعی نیز منجر خواهد داشت (لشکری‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۸).

در کشورمان توزیع عادلانه درآمد یکی از معیارهای سنجش عملکرد دولت‌ها در خصوص توجه به ارزش‌های اسلامی، قانون اساسی، برقراری عدالت اقتصادی و ... است (انصاری سامانی و خیل کردی، ۱۳۹۸: ۱۸۱) و در راستای بهبود توزیع درآمد و گسترش عدالت در مناطق روستایی، سیاست‌های برابری طلبانه مانند واگذاری سهام عدالت، هدفمندی یارانه‌ها، تخصیص بودجه‌های کلان عمرانی برای مناطق محروم و ... به اجرا رسیده است و در کنار آن‌ها، بعضی از سیاست‌ها و پدیده‌های اقتصادی مانند تورم و بیکاری با کاهش نابرابری مغایرت داشته و بر روند توزیع برابر درآمد، اثر منفی داشته‌اند (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۵).

با توجه به نکات زیر: ۱- محدودیت‌های بودجه دولت و سازمان‌های متولی افزایش سطح رفاه جوامع، مطالعات مرتبط با وضعیت درآمدی مناطق روستایی، می‌تواند در شناسایی نواحی آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی برای بهینه‌سازی سیاست‌های حمایتی از نواحی محروم مؤثر واقع گردد (علی‌اکبری صبا و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴)؛ ۲- از آنجایی که شناسایی عوامل مؤثر

بر توزیع درآمد، یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی فضایی در عصر حاضر است و مبنایی برای اقدامات مناسب برای مطالعات منطقه‌ای است (Lorinc and Kaposzta, 2022: 313)؛ ۳- وابستگی توزیع برابر / نابرابر درآمد به متغیرهای متعددی مانند توسعه انسانی، آزادسازی تجارت، رشد جمعیت، تفاوت در دستمزدها، مالیات سرسام‌آور، تبعیض قومیتی، تبعیض جنسیتی (Rehman and Rashidi, 2017: 55) و ۴- چالش‌های متعدد و فزاینده جوامع روستایی کشورمان در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زراستی، کالبدی، زیست محیطی و ... بررسی و تحلیل توزیع فضایی درآمد در مناطق روستایی کشورمان و همچنین شناسایی عوامل کلیدی مرتبط با آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا با توجه به مطالب عنوان شده، سوال‌های اصلی پژوهش حاضر عبارت‌اند از: وضعیت توزیع فضایی درآمد در مناطق روستایی ایران چگونه است؟ مهم‌ترین عوامل مرتبط با سطح درآمد مناطق روستایی ایران کدامند؟ و کلیدی‌ترین پیشبینی‌کننده‌های درآمد در مناطق روستایی ایران کدامند؟

۲- بنیان نظریه‌ای

در اواخر قرن ۱۹ برخی از اقتصاددانان کلاسیک نظریاتی ارائه نمودند، که نشانگر ارتباط بین رشد و توزیع درآمد بود. در سال ۱۹۹۵ سیمون کوزنتس^۱ برنده جایزه نوبل (۱۹۰۱-۱۹۸۵) کوزنتس برای اولین بار نظریه‌ای داد که بر طبق آن نابرابری درآمد، طی مراحل اولیه رشد اقتصادی افزایش می‌یابد و بالأخره در مراحل بعدی کاهش می‌یابد (Rehman and Rashidi, 2017: 57). از نظر او توسعه اقتصادی، از طریق تأثیرگذاری بر فرایند توزیع درآمد می‌تواند موجب تقویت و یا حتی ویرانی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی شود (Shi et al, 2022: 2). از نظر کوزنتس در اوایل مسیر رشد اقتصادی، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد که دلیل آن ماهر نبودن کارگران و سطح پایین دستمزدها است. اما به محض طی نمودن مراحل اولیه رشد اقتصادی، نیروی کار، تخصص لازم را کسب نموده و دستمزدها افزایش خواهد یافت و این مهم در نهایت سبب کاهش نابرابری درآمدی خواهد شد (سردار شهرکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳). کوزنتس همچنین نشان داد فرآیند فوق زمانی به وجود خواهد آمد که نیروی کار از بخش کشاورزی به سمت بخش صنعتی برای دریافت حقوق بهتر حرکت کند (Rehman and Rashidi, 2017: 57). این نظریه پرداز همچنین نشان داد توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، از شدت نابرابری بیشتری برخوردار است (نوبهار و قربانی، ۱۴۰۰: ۸۵).

انتقاد نسبت به نابرابری‌های درآمدی، قدمتی به بلندای تاریخ دارد. ایجاد مکاتبی مانند سوسیالیسم و کمونیسم که برای رسیدن به برابری تلاش کرده‌اند؛ نمادهایی از تفکرات برابری درآمد در میان اقشار مختلف جامعه هستند. در مبنای دین مبین اسلام و کشور جمهوری اسلامی ایران، بر رعایت عدالت و برابری بین اقشار مختلف جامعه تأکید بسیاری شده است (مردانی و کرمی، ۱۳۹۲: ۴۹-۴۸). بر این اساس یکی از مباحث پایه در تحلیل‌های اقتصاد منطقه‌ای، چگونگی توزیع منابع و امکانات در میان مناطق جغرافیایی است. در این نظریات اعتقاد بر این است که نحوه تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی در میان مناطق جغرافیایی باید به گونه‌ای باشد که در همگرایی و تعادل منطقه‌ای مؤثر باشد (درویشی و شهیکی‌تاش، ۱۳۹۲: ۱۳۸-۱۳۷).

¹ - Simon Kuznets

در مطالعات جغرافیایی توجه به نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های فضایی، در دهه ۱۹۷۰ نمایان شد (نوبهار و قربانی، ۱۴۰۰: ۸۵). سه جغرافیدان معروف معاصر جانسون، ناکس و کوتس، مطالعه نابرابری فضایی را کانون جغرافیای نو می‌دانند (نظم‌فر و علی‌بخشی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). از نظر جکسون علم جغرافیا صرفاً از طریق تمرکز توجه‌اش بر روی موضوعات تکثر، نابرابری و تفاوت است که می‌تواند «موضع انتقادی‌اش» را حفظ نماید و علم جغرافیا به دنبال یافتن این است که تفاوت‌ها چگونه و به چه عللی در فضا تبلور یافته‌اند (شورچه، ۱۳۹۴: ۱۱۳). در هر صورت، نابرابری میان مناطق مختلف در ابعاد مختلف توسعه، از جمله نابرابری درآمدی، در رفاه نسل‌های آینده نیز، تأثیرگذار است (مردانی و کرمی، ۱۳۹۲: ۴۸). در مجموع می‌توان چنین عنوان کرد که برخورداری از سطح قابل قبولی از درآمد، یکی از مهم‌ترین معیارهای رشد اقتصادی کشورهای مختلف و داشتن یکی زندگی استاندارد است (Zarifjanovna and Khamza ugli, 2022: 127).

با توجه به اینکه نحوه توزیع درآمد، بازتاب عملکرد مجموعه‌ای از سیاست‌ها و نهادهای یک کشور است (لشکری‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۸)، عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مختلفی بر سطح درآمد و نحوه توزیع آن تأثیرگذار هستند (Sitthiyot and Holasut, 2016: 28) و زیر مجموعه این عوامل، متناسب با شرایط انسانی، طبیعی و در مجموع بنیان‌های حاکم بر جوامع مختلف، دارای تفاوت‌هایی با یکدیگر هستند.

در ارتباط با موضوع مورد مطالعه، پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است که در ادامه به نتایج چند مطالعه مهم اشاره شده است. نتایج مطالعه مردانی و کرمی (۱۳۹۲) در ارتباط با بررسی نابرابری درآمدی در مناطق روستایی ایران نشان داد طی دوره مورد بررسی (سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸) علی‌رغم کاهش تدریجی کند نابرابری، میان استان‌های کشور به لحاظ درآمد، شکاف و نابرابری زیادی وجود دارد. نتایج مطالعه گریوانی و همکاران (۱۳۹۴) در خصوص بررسی عوامل مؤثر بر درآمد شاغلان روستایی در ایران نشان داد آموزش و تحصیلات نقش عمده‌ای را در افزایش درآمد جامعه روستایی دارد. علی‌اکبری صبا و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای خانوارهای آسیب‌پذیر جامعه در مناطق جغرافیایی کشور را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد به لحاظ درآمدی میان استان‌های کشور شکاف و نابرابری زیادی وجود دارد. همچنین دژپسند و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای دیگر تأثیر تحصیلات و تجربه را بر درآمد افراد بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه نشان داد تحصیلات و تجربه بر درآمد افراد اثر آماری معناداری داشته‌اند. نتایج مطالعه صلاح‌منش و همکاران (۱۳۹۶) با هدف بررسی اثر آموزش بر درآمد خانوارهای ایرانی نشان داد تحصیلات بر درآمد خانوارهای اثر آماری معناداری دارد. نتایج مطالعه انصاری سامانی و خیل کردی (۱۳۹۸) در خصوص اثر نرخ بیکاری بر نابرابری توزیع درآمد در استان‌های ایران نشان داد نرخ بیکاری در کوتاه‌مدت اثر معناداری بر نابرابری توزیع درآمد ندارد اما اثر آن در بلند مدت بر نابرابری توزیع درآمد معنادار بوده است.

نتایج مطالعه مهدویان و اسفندیاری (۱۳۹۷) در خصوص بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ نشان داد نابرابری توزیع درآمد در مناطق مختلف کشور (علی‌رغم نوسانات متعدد) روند کاهشی داشته است. سردارشرکی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه نشان داد استفاده از نیروهای تحصیل کرده و متخصص در بخش کشاورزی، افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی، تخصیص بودجه‌های آموزشی و تحقیقاتی در بخش کشاورزی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، از

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتقای سطح درآمد جامعه روستایی در ایران هستند. نتایج مطالعه زررکی و همکاران (۱۳۹۹) در خصوص عوامل مؤثر بر احتمال فقر خانوارهای روستایی در سال ۱۳۹۵ در ایران نشان داد شاغل بودن سرپرست خانوار در بخش کشاورزی و غیرکشاورزی به ترتیب در افزایش و کاهش سطح فقر خانوارها اثرگذار بوده است. نتایج مطالعه جمینی و همکاران^۱ (۱۴۰۰) در خصوص وضعیت شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران، که شاخص درآمد یکی از متغیرهای کلیدی تشکیل دهنده آن است، نشان داد میان استان‌های کشور نابرابری زیادی وجود دارد به گونه‌ای که استان‌های مرکزی و شمالی کشور، دارای شرایط بهتری نسبت به استان‌های شرقی و غربی هستند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد شاخص‌های درصد روستانشینی، بعد خانوار، بارتکفل، بارتکفل واقعی، بارتکفل نظری و درصد شاغلان بخش کشاورزی با شاخص توسعه انسانی دارای رابطه آماری معنادار منفی و شاخص‌های درصد شهرنشینی، نسبت اشتغال، نرخ مشارکت اقتصادی، درصد شاغلان بخش صنعت و درصد شاغلان بخش خدمات، با شاخص توسعه انسانی دارای ارتباط آماری معنادار مثبت بوده‌اند.

رحمان و رشیدی^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای رابطه بین تحصیلات و نابرابری درآمد در کشور پاکستان را بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه نشان داد افزایش تحصیلات به توزیع مناسب درآمد کمک می‌کند. یورماوی^۲ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر درآمد کشاورزان (تولیدکننده کاکائو) را در یکی از روستاهای کشور اندونزی بررسی کرده است. نتایج این مطالعه نشان داد درآمد کشاورزان تحت تأثیر مدت زمان کار روزانه، مساحت زمین و میزان تولید است. جولیاواتی^۳ و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای عوامل مؤثر بر درآمد کشاورزان روستایی منطقه بوندووسو در کشور اندونزی را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد مساحت زمین‌های زراعی، ارزش تولیدات و کشاورزان شراکتی، از عوامل مؤثر بر افزایش درآمد روستاییان هستند. نتایج مطالعه بیان و ادریس^۴ (۲۰۲۱) در خصوص عوامل مؤثر بر درآمد ماهیگیران در استان سوماترای غربی در کشور اندونزی نشان داد تعداد قایق، تجهیزات ماهیگیری و سرمایه در گردش تأثیر مثبت و معناداری بر درآمد ماهیگیران در غرب سوماترا دارند. نتایج مطالعه میسداویتا و اوتامی^۵ (۲۰۲۲) در خصوص عوامل مؤثر بر درآمد زنان روستایی در کشور اندونزی نشان داد سطح تحصیلات، سن و درآمد همسر بر درآمد زنان روستایی تأثیر مثبت و معناداری داشته‌اند. ایدرس^۶ و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر قشر با درآمد پایین در ایالات سند در کشور پاکستان، نشان دادند که تورم با اثرات منفی خود، مانع اصلی افزایش درآمد طبقه کم درآمد در محدوده مورد مطالعه است. نتایج پژوهش رحیم^۷ و همکاران (۲۰۲۲) در خصوص اثر عوامل اجتماعی بر افزایش درآمد خانوارهای ماهیگیر در شهر ماکاسار در کشور اندونزی نشان داد متغیرهای سن سرپرست خانواده و تعداد اعضای شاغل خانواده تأثیر مثبت و معناداری در افزایش درآمد خانوار داشته‌اند و بار تکفل بر درآمد خانوارهای تأثیر منفی داشته است. لورینس و کاپوسزتا^۸ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای نابرابری‌های منطقه‌ای درآمد را در کشور مجارستان (سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹) بررسی کرده‌اند نتایج این مطالعه

¹ - Rehman and Rashidi

² - Yormawi

³ - Juliawati

⁴ - Bayan and Idris

⁵ - Misdawita and Utami

⁶ - Idrees

⁷ - Rahim

⁸ - Lorinc and Kaposzta

نشانگر افزایش شکاف منطقه‌ای در کشور مجارستان به لحاظ درآمدی بوده است؛ به گونه‌ای که به تبعیت از افزایش و کاهش فاصله از پایتخت (به عنوان مرکز فرصت‌های توسعه اقتصادی)، درآمد نیز کاهش و افزایش یافته است. در واقع به لحاظ درآمد مناطق پیرامونی نسبت به مناطق مرکزی، از وضعیت ضعیف‌تری برخوردار بوده‌اند.

هاریشانکار^۱ و همکاران (۲۰۲۲) عوامل مؤثر بر تنوع درآمد در میان خانوارهای فعال در تولید شیر در یکی از مناطق کشور هند را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعات نشان داد تحصیلات، بعد خانوار، اندازه زمین، تعداد دام، فاصله از صنایع مرتبط، دسترسی به اعتبارات و عضویت در سازمان‌های تولیدکننده، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تنوع درآمد هستند.

بررسی مبانی نظری و ادبیات پژوهش نشانگر چند نکته کلیدی است: ۱- نابرابری درآمدی یکی از مولفه‌های منفی اقتصادی است که در بسیاری از فضاهای جغرافیایی (با شدت مختلف) است؛ ۲- عوامل مختلفی بر نابرابری درآمد در نواحی مختلف اثرگذار هستند؛ ۳- مطالعه منسجمی در خصوص توزیع فضایی سطح درآمد خانوارهای روستایی و ارتباط آن با عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فضایی در کشورمان صورت نگرفته است. از این رو مطالعه حاضر با آگاهی به کاستی‌های فوق، با رویکرد ترکیبی (ترکیب نتایج تحلیل فضایی درآمد و بررسی وضعیت همبستگی متغیرهای کلیدی توسعه روستایی با سطح درآمد خانوارهای روستایی و همچنین تحلیل رگرسیون چند متغیره)، سعی دارد تحلیل نسبتاً جامعی را، از وضعیت درآمد خانوارهای روستایی و ارتباط آن با متغیرهای مختلف توسعه روستایی، ارائه نماید.

۳- روش، تکنیک‌ها و قلمرو

با توجه به هدف اصلی پژوهش کاربردی حاضر، تحلیل فضایی درآمد در مناطق روستایی ایران، روش حاکم بر آن توصیفی - تحلیلی است که در آن برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از مستندات مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰ استفاده شده است. در این مطالعه، درآمد به عنوان متغیر وابسته و عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی - کالبدی و فضایی به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش در نظر گرفته شده‌اند (جدول ۱). فرایند انجام پژوهش به این صورت بوده است که ابتدا استان‌های کشور به لحاظ وضعیت درآمد سالانه خانوارها، اولویت‌بندی شده و سپس بر اساس سطح درآمد، در گروه‌های همگن دسته‌بندی شده‌اند. سپس نقشه فضایی استان‌های کشور به لحاظ سطح درآمد ترسیم شده است. در ادامه همبستگی میان متغیرهای پژوهش (وابسته و مستقل) بررسی شده است و در نهایت، مدل تعیین‌کننده‌های درآمد در مناطق روستایی ایران، مورد برآزش قرار گرفته است.

^۱ - Harishankar

جدول ۱. متغیرهای مورد بررسی در پژوهش

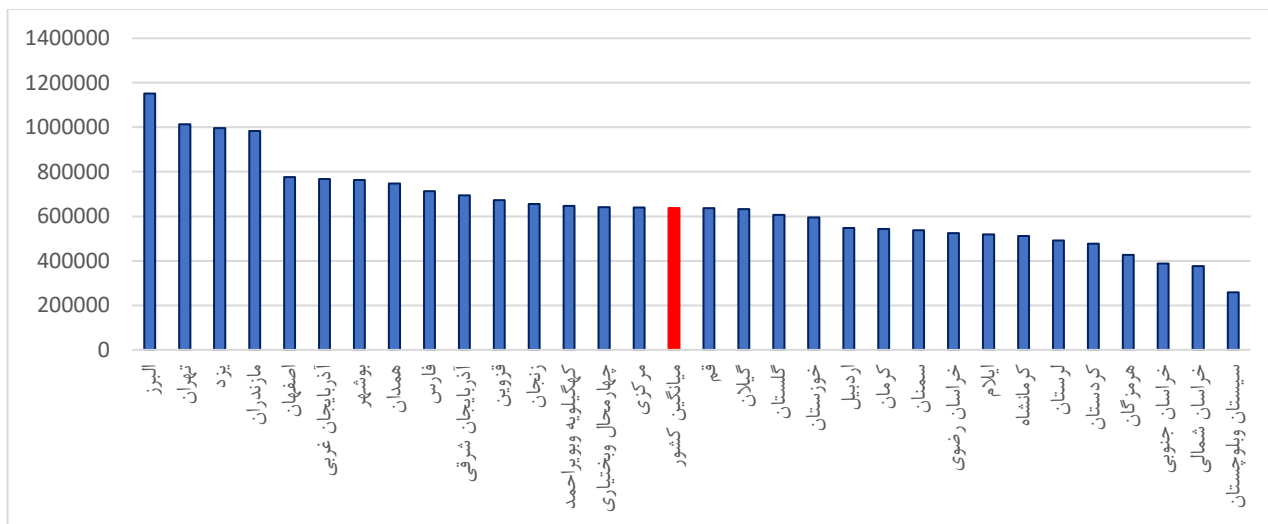
متغیر	متغیر	شرح
وابسته	درآمد	متوسط درآمد سالانه خانوار روستایی
		نسبت اشتغال
		درصد شاغلین بخش خدمات
		درصد شاغلین بخش صنعت
		درصد شاغلین بخش کشاورزی
	اقتصادی	نرخ اشتغال
		شاغلان با ۴۹ ساعت کار معمول و بیشتر
		نرخ بیکاری
		متوسط افراد دارای درآمد خانوار
		نرخ مشارکت اقتصادی
مستقل		ضریب فعالیت عمومی
	اجتماعی	درصد روستائینی بعد خانوار
		درصد باسوادی
		مساحت کل اراضی
		مساحت اراضی زیر کشت
		برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی (برق، گاز لوله کشی، تلفن، اینترنت و آب‌لوله کشی)
		فاصله از مرکز (پایتخت)
	فضایی	
		زیست‌محیطی - کالبدی
		فضایی

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آماری در قالب جدول توزیع فروانی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره در قالب نرم‌افزار SPSS و برای تهیه نقشه توزیع فضایی درآمد در استان‌های ایران، از نرم‌افزار Arc GIS استفاده شده است. قلمرو مکانی پژوهش، بخش روستایی ۳۱ استان ایران است که در حال حاضر ۲۰ میلیون و ۱۷۹ هزار نفر جمعیت را در خود جای داده است. از کل جمعیت ساکن در کشور (۸۴ میلیون و ۵۵ هزار نفر)، در سال ۱۴۰۰، ۲۴ درصد در نواحی روستایی ساکن بوده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰، متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی، ۶۳ میلیون و ۷۱۳ هزار تومان بوده است و این رقم برای جامعه شهری ۱۱۲ میلیون و ۴۲۱ هزار تومان در سال بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). این مهم نشانگر وضعیت درآمد سالانه پایین نواحی روستایی نسبت به جوامع شهری است. این شکاف درآمدی می‌تواند به افزایش فقر، بیکاری، مهاجرت و ... در نواحی روستایی شتاب بیشتری ببخشد و تشدیدکننده توسعه ناپایدار منطقه‌ای در کشورمان باشد.

۴- یافته‌ها و تحلیل داده

بررسی وضعیت درآمد سالانه خانوارهای روستایی کشور نشان می‌دهد در میان ۳۱ استان کشور، سه استان البرز، تهران و یزد به ترتیب با متوسط درآمد سالانه ۱۱۵۱۱۲۳۰۰ تومان، ۱۰۱۴۰۸۱۰۰ تومان و ۹۹۶۵۶۳۰۰ تومان، بالاترین سطح درآمد را به خود اختصاص داده‌اند و استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و جنوبی، به ترتیب با متوسط درآمد سالانه ۲۵۷۹۳۸۰۰ تومان، ۳۷۷۰۵۴۰۰ تومان و ۳۸۷۵۸۶۰۰ تومان، پایین‌ترین سطح درآمد را در میان استان‌های کشور داشته‌اند (شکل ۱). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد درآمد جامعه روستایی استان البرز بیش از ۴ برابر استان سیستان و بلوچستان بوده است و ۱۵ استان کشور دارای درآمد سالانه بیشتر از میانگین کشوری بوده و ۱۶ استان درآمد کمتر از میانگین کشوری داشته‌اند. در مجموع علی‌رغم شکاف درآمدی میان مناطق روستایی کشور، بررسی‌ها نشانگر وضعیت درآمدی

بسیار نامناسب جامعه روستایی نسبت به جامعه شهری است؛ چراکه متوسط درآمد جامعه شهری حدود دو برابر جامعه روستایی بوده و تنها یک استان کشور (استان البرز) دارای درآمد سالانه بیشتر از متوسط درآمد جامعه شهری است.



شکل ۱. مقایسه متوسط درآمد سالانه مناطق روستایی کشور

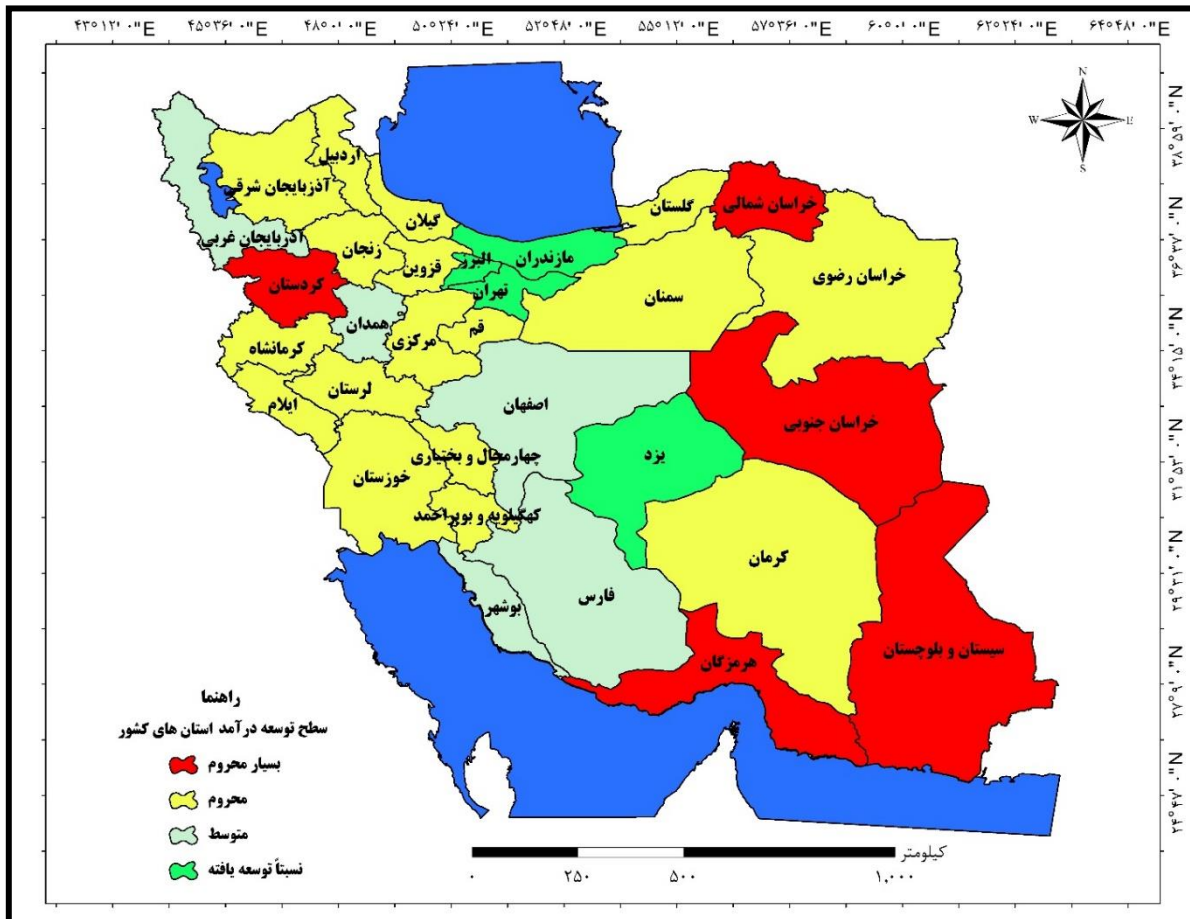
برای نمایش فضایی توزیع درآمد در استان‌های کشور، با استفاده از جدول توزیع فراوانی استان‌های کشور در ۴ گروه درآمدی (بسیار محروم، محروم، متوسط و نسبتاً توسعه یافته) طبقه‌بندی شده‌اند (جدول ۲). علی‌رغم وضعیت کلی نامناسب شاخص درآمد سالانه در مناطق روستایی کشور نسبت به جامعه شهری، یافته‌ها نشان می‌دهد ۵ استان کشور در سطح بسیار محروم (استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، هرمزگان و کردستان)، ۱۷ استان در سطح محروم (استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام، خراسان رضوی، سمنان، کرمان، اردبیل، خوزستان، گلستان، گیلان، قم، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان، قزوین و آذربایجان شرقی)، ۵ استان در سطح متوسط (استان‌های فارس، همدان، بوشهر، آذربایجان غربی و اصفهان) و چهار استان در سطح نسبتاً توسعه یافته (استان‌های مازندران، یزد، تهران و البرز) قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. گروه‌بندی مناطق روستایی کشور بر اساس میزان درآمد سالانه

گروه درآمدی (تومان)	استان‌ها	سطح توسعه
۲۵۷۹۳۸۰۰-۴۸۱۲۳۴۰۰	سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، هرمزگان و کردستان	بسیار محروم
۴۸۱۲۳۴۰۰-۷۰۴۵۳۰۰۰	لرستان، کرمانشاه، ایلام، خراسان رضوی، سمنان، کرمان، اردبیل، خوزستان، گلستان، گیلان، قم، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان، قزوین و آذربایجان شرقی	محروم
۷۰۴۵۳۰۰۰-۹۲۷۶۲۶۰۰	فارس، همدان، بوشهر، آذربایجان غربی و اصفهان	متوسط
۹۲۷۶۲۶۰۰-۱۱۵۱۱۲۳۰۰	مازندران، یزد، تهران و البرز	نسبتاً توسعه یافته

برای نمایش فضایی مناطق روستایی کشور به لحاظ درآمد، یافته‌های حاصل از گروه‌بندی فوق، وارد نرم‌افزار GIS شده و نقشه توزیع فضایی درآمد در مناطق روستایی ایران تهیه شده است (شکل ۲). یافته‌ها نشان می‌دهد فضای غالب بر

گستره جغرافیایی کشور به لحاظ توزیع درآمد در مناطق روستایی، سطوح بسیار محروم و محروم است. همچنین بررسی‌های نشان می‌دهد اکثر مناطق روستایی مرزی کشور (به استثنای دو استان آذربایجان غربی و بوشهر) به لحاظ متوسط درآمد سالانه در سطوح محروم و بسیار محروم واقع شده‌اند. نابرابری و شکاف مذکور، می‌تواند معلول عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی - زیست محیطی و به عبارتی دیگر، بنیان‌های جغرافیایی حاکم بر مناطق روستایی ایران باشد که در ادامه به آن پرداخته شده است.



شکل ۲. نمایش فضایی سطح توسعه مناطق روستایی ایران بر اساس متوسط درآمد سالانه

برای شناسایی متغیرهای مرتبط با درآمد در مناطق روستایی ایران، ابتدا همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش (درآمد) با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بررسی شده است (جدول ۳). نتایج نشان می‌دهد در میان ۲۰ متغیر مورد بررسی، ۷ متغیر برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی، درصد شاغلین بخش خدمات، درصد شاغلین بخش کشاورزی، درصد باسوادی، شاغلان با ۴۹ ساعت کار معمول و بیش‌تر، درصد روستانشینی و فاصله از مرکز، دارای ارتباط آماری معنادار با متغیر درآمد در مناطق روستایی ایران بوده‌اند که به لحاظ نوع ارتباط با یکدیگر دارای تفاوت‌های بنیادی می‌باشند. به این صورت که نوع ارتباط چهار متغیر برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی، درصد شاغلین بخش خدمات، درصد باسوادی و شاغلان با ۴۹ ساعت کار معمول و بیش‌تر، با میزان درآمد روستاییان به لحاظ آماری، معنی‌دار و از نوع مثبت بوده است. در این میان دو متغیر برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی و شاغلان با ۴۹ ساعت کار معمول و بیش‌تر به ترتیب با ضریب

همبستگی $0/611$ و $0/546$ ، با متغیر درآمد بیشترین میزان همبستگی را داشته‌اند. در واقع با بهبود وضعیت آن متغیرها می‌توان انتظار داشت که وضعیت درآمد جامعه روستایی کشور بهبود خواهد یافت و برعکس. بر خلاف متغیرهای مذکور، یافته‌ها نشان می‌دهد سه متغیر درصد شاغلین بخش کشاورزی، درصد روستائینی و فاصله از مرکز با متغیر وابسته پژوهش، دارای ارتباط آماری معنی‌دار و از نوع منفی هستند؛ در این میان متغیر فاصله از مرکز (پایتخت) با ضریب همبستگی $-0/567$ ، بیشترین ارتباط منفی را با میزان درآمد روستائیان داشته است. در واقع با افزایش میزان این سه متغیر، درآمد جامعه روستایی کاهش می‌یابد و با کاهش آن‌ها، وضعیت درآمد آن‌ها بهبود پیدا می‌کند.

جدول ۳. همبستگی میان درآمد و متغیرهای مرتبط با آن در مناطق روستایی ایران

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری
درآمد	برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی	$0/611^{**}$	$0/000$	بار تکفل واقعی	$-0/092$	$0/621$
	درصد شاغلین بخش خدمات	$0/508^{**}$	$0/004$	درصد باسوادی	$0/511^{**}$	$0/003$
	درصد شاغلین بخش صنعت	$0/208$	$0/261$	شاغلان با ۴۹ ساعت کار معمول و بیشتر	$0/546^{**}$	$0/001$
	درصد شاغلین بخش کشاورزی	$-0/418^*$	$0/019$	متوسط افراد دارای درآمد خانوار	$-0/260$	$0/158$
	نرخ اشتغال	$0/313$	$0/087$	تورم	$0/246$	$0/182$
	نرخ بیکاری	$-0/313$	$0/087$	بعد خانوار	$-0/304$	$0/097$
	نرخ مشارکت اقتصادی	$-0/024$	$0/898$	درصد روستائینی	$-0/554^{**}$	$0/001$
	ضریب فعالیت عمومی	$0/032$	$0/865$	مساحت کل اراضی	$-0/193$	$0/298$
	نسبت اشتغال	$0/044$	$0/816$	مساحت اراضی زیرکشت	$-0/184$	$0/321$
	بار تکفل	$-0/132$	$0/480$	فاصله از مرکز	$-0/567$	$0/001$

(** معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ * معناداری در سطح ۹۵ درصد)

پس از بررسی رابطه متغیرهای مستقل با درآمد و شناسایی متغیرهای مرتبط با آن، با استفاده از رگرسیون چند متغیره (با استفاده از روش گام به گام)، درآمد جامعه روستایی ایران پیش‌بینی و تبیین شده است (جدول ۴). برای دستیابی به این مهم، هفت متغیر دارای رابطه آماری معنی‌دار با درآمد، وارد مدل شده‌اند. میزان ضریب همبستگی چندگانه (R) مدل برآورد شده $0/797$ بوده و نشان‌دهنده همبستگی قوی بین متغیرهای مستقل و وابسته است. همچنین با توجه به ضریب تعیین حاصل شده (R Square) می‌توان عنوان کرد که مدل مذکور توانسته است $63/6$ درصد از واریانس درآمد جامعه روستایی را تبیین نماید.

جدول ۴. خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	مجذور ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	$0/797$	$0/636$	$0/636$	$123132/669$

برای بررسی معناداری مدل برآورد شده، از نتایج تحلیل واریانس استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد (جدول ۵)، مقدار F حاصل شده (۲۴/۴۴۵) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است. همچنین، کوچک‌تر بودن مقدار مجموع مجذورات باقیمانده نسبت به مجموع مجذورات رگرسیونی نشان‌دهنده قدرت پیشگویی و پیشبینی بالای مدل در توضیح تغییرات درآمد در جامعه روستایی ایران است.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس برای بررسی برازش مدل

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۷۴۱۲۴۴۷۷۱۶۶۰/۵۵۷	۲	۳۷۰۶۲۳۳۸۵۸۳۰/۲۷۸	۲۴/۴۴۵	* /۰۰۰۰
باقیمانده	۴۳۴۵۲۶۳۱۷۴۰۲/۲۸۳	۲۸	۱۵۱۶۱۶۵۴۱۹۲/۹۳۹		
مجموع	۱۱۶۵۷۷۱۰۸۹۰۶۲/۸۳۹	۳۰			

* متغیر وابسته: درآمد

یافته‌های حاصل از ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر وابسته نشان می‌دهد (جدول ۶)، در بین ۷ متغیر مرتبط با درآمد جامعه روستایی، دو متغیر برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی و درصد شاغلین بخش خدمات، وارد مدل نهایی شده‌اند و در تبیین واریانس درآمد مؤثر بوده و پنج متغیر درصد باسوادی، درصد شاغلین بخش کشاورزی، درصد روستائینشی، شاغلان با ۴۹ ساعت کار معمول و بیشتر و فاصله از مرکز، در مدل نهایی قرار نگرفته‌اند. قضاوت در مورد سهم هر یک از متغیرهای پژوهش در تبیین تغییرات درآمد جامعه روستایی را باید به ضرایب رگرسیونی استاندارد شده واگذار کرد. زیرا هرچه مقدار ضریب بتای یک متغیر بیش‌تر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته بیشتر است. بنابراین، متغیرهای اثرگذار بر متغیر وابسته پژوهش به‌ترتیب میزان ضرایب رگرسیونی استاندارد شده عبارت‌اند از: برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی (۰/۶۱۵) و درصد شاغلین بخش خدمات (۰/۵۱۲). در تفسیر نتایج حاصل‌شده براساس ضرایب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی، می‌توان چنین عنوان کرد که تغییر یک واحد انحراف استاندارد در متغیر برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی، باعث تغییر ۰/۶۱۵ واحد انحراف استاندارد در درآمد جامعه روستایی ایران می‌شود. با توجه به نتایج جدول ۶ معادله خطی حاصل از تحلیل رگرسیون به شکل زیر می‌باشد:

$$Y = -43.0653/0.91 + 16629/0.28 X_1 + 11563/343 X_2$$

به‌ترتیب: $Y =$ درآمد جامعه روستایی ایران، $X_1 =$ برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی، $X_2 =$ درصد شاغلین بخش خدمات.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون در ارتباط با عوامل مؤثر بر درآمد جامعه روستایی ایران

آزمون هم‌خطی	درصد	t	ضرایب تأثیر رگرسیونی		
			ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده	ضرایب تأثیر رگرسیونی استاندارد نشده	
تولرانس	معناداری	Beta	B	خطای استاندارد	
عامل تورم واریانس	۰/۰۱۲	-۲/۶۷۳	-	۱۶۱۱۲۹/۶۹۷	(عدد ثابت) -۴۳۰۶۵۳/۰۹۱
۱	۰/۰۰۰	۵/۳۹۲	۰/۶۱۵	۳۰۸۳/۷۸۲	۱۶۶۲۹/۰۲۸ رفاهی
۱	۰/۰۰۰	۴/۴۹۲	۰/۵۱۲	۲۵۷۴/۳۲۷	۱۱۵۶۳/۳۴۳ درصد شاغلین بخش خدمات

متغیر وابسته: درآمد خانوار روستایی

۵- بحث و فرجام

توزیع متعادل امکانات و زیرساخت‌های توسعه در مناطق مختلف یک کشور، از الزامات دستیابی به توسعه پایدار است؛ زیرا شکاف و نابرابری میان مناطق مختلف به لحاظ برخورداری از مولفه‌های توسعه، پیامدهای منفی متعددی مانند فقر، بیکاری، مهاجرت، نارضایتی اجتماعی، کاهش سطح اعتماد عمومی، تراکم و تمرکز شدید جمعیت در مناطق برخوردار را به دنبال دارد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه که می‌تواند نقش موثری را ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای ایفا نماید، سطح درآمد است. با توجه به شکاف و نابرابری میان استان‌های کشور به لحاظ برخورداری از مولفه‌های مختلف توسعه از جمله توسعه روستایی، بررسی و تحلیل فضایی وضعیت درآمد و همچنین شناسایی عوامل کلیدی مرتبط با آن، می‌تواند گام مهمی در راستای ایجاد تعادل منطقه‌ای و افزایش سطح درآمد خانوارهای روستایی باشد. در این خصوص نتایج پژوهش نشان داد میان استان‌های کشور به لحاظ شاخص درآمد، شکاف و نابرابری زیادی وجود دارد. از آنجایی که مردانی و کرمی (۱۳۹۲)، گریوانی و همکاران (۱۳۹۴)، علی‌اکبری صبا و همکاران (۱۳۹۵)، انصاری سامانی و خیل کردی (۱۳۹۸)، مهدویان و اسفندیاری (۱۳۹۷) و جمینی و همکاران^۳ (۱۴۰۰) در مطالعات خود بر شکاف و نابرابری میان مناطق مختلف به لحاظ شاخص‌های توسعه تأکید کرده‌اند، لذا نتیجه حاصل شده با نتایج پژوهش‌های مذکور مطابقت دارد. نابرابری و شکاف مذکور، برخلاف روند توسعه متعادل منطقه‌ای بوده و می‌تواند زمینه‌ساز گسترش پیامدهای منفی نابرابری منطقه‌ای به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه روستایی باشد. موضوع فوق به شکاف و نابرابری میان استان‌های کشور به لحاظ شاخص درآمد محدود نمی‌شود؛ زیرا میانگین درآمد سالانه خانوارهای روستایی نسبت به جوامع شهری، در سطح پایین‌تری (حدود نصف میانگین درآمد سالانه خانوارهای شهری) قرار دارد. این مهم می‌تواند ناشی از ضعف منابع درآمد جامعه روستایی در مقایسه با جوامع شهری باشد. به این صورت که فعالیت‌های اقتصادی جامعه روستایی ایران که عمدتاً بر بخش کشاورزی و زیربخش‌های آن مانند زراعت، باغداری و دامداری استوار است، به دلایل متعددی مانند قیمت پایین تولیدات و محصولات، فعالیت پُرننگ واسطه‌ها، فعال نبودن تعاونی‌های روستایی و در مجموع سیاست‌های حمایتی ناپایدار بخش دولتی، درآمد ضعیفی را برای جامعه روستایی کشور به همراه داشته است. نتایج تحلیل فضایی وضعیت درآمد در میان استان‌های کشور نشان داد فضای توسعه غالب بر مناطق روستایی ایران به لحاظ شاخص درآمد، سطوح توسعه بسیار محروم و محروم است. با این وجود اکثر استان‌های مرزی کشور، نسبت به استان‌های مرکزی در شرایط ضعیف‌تری قرار دارند. نتیجه فوق، مطابق با نتایج مطالعات جمینی و همکاران^۳ (۱۴۰۰) و لورینس و کاپوسزتا (۲۰۲۲) است. در کل با توجه به وضعیت نامناسب شاخص درآمد در اکثر استان‌های کشور به‌ویژه در مقایسه با جوامع شهری، توزیع فضایی مذکور می‌تواند به مثابه یک هشدار جدی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزی توسعه روستایی در سطوح ملی و منطقه‌ای باشد.

در خصوص ارتباط آماری درآمد با متغیرهای مستقل پژوهش، نتایج نشان داد متغیرهای برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی، درصد باسواد، درصد شاغلین بخش خدمات و شاغلان با ۴۹ ساعت کار معمول و بیش‌تر، با میزان درآمد روستاییان دارای ارتباط معنی‌دار و مثبت بوده‌اند. نتیجه حاصل شده با نتایج پژوهش‌های گریوانی و همکاران (۱۳۹۴)، صلاح‌منش و همکاران (۱۳۹۶)، دژپسند و همکاران (۱۳۹۵)، سردار شهرکی و همکاران (۱۳۹۸)، زروکی و همکاران (۱۳۹۹)، جمینی و همکاران^۳ (۱۴۰۰)، رحمان و رشیدی (۲۰۱۷)، یورماوی (۲۰۱۷)، جولیاواتی و همکاران (۲۰۲۱)، میسداویتا و اوتامی (۲۰۲۲)، رحیم و همکاران (۲۰۲۲) و هاریشانکار و همکاران (۲۰۲۲)، همسو می‌باشد. در واقع ارتقا و تقویت سطح این متغیرها می‌تواند در بهبود درآمد جامعه روستایی ایران مؤثر باشد.

از طرف دیگر نتایج نشان داد متغیرهای درصد شاغلین بخش کشاورزی، درصد روستائینی و فاصله از مرکز با سطح درآمد خانوارهای روستایی ارتباط آماری منفی داشته‌اند. نتیجه حاصل شده با مطالعات زررکی و همکاران (۱۳۹۹)، جمینی و همکاران^۳ (۱۴۰۰) و لورینس و کاپوسزتا (۲۰۲۲)، همسو می‌باشد. شایان ذکر است که نتیجه حاصل شده در نوع خود قابل توجه و تعمق می‌باشد. دقت در ماهیت سه متغیر فوق نشانگر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های نامناسب در حوزه توسعه روستایی، عدم حمایت پایدار و مؤثر از فعالیت در بخش کشاورزی و تمرکز امکانات و خدمات رفاهی در استان‌های مرکزی ایران نسبت به استان‌های حاشیه کشور است. نتایج رگرسیون چند متغیره در خصوص شناسایی عوامل مهم‌تر مؤثر بر سطح درآمد در مناطق روستایی ایران، نشان داد متغیرهای برخورداری از زیرساخت‌های رفاهی و درصد شاغلین بخش خدمات، دو عامل کلیدی هستند که بهبود وضعیت آن‌ها اثرات قابل ملاحظه‌ای را بر سطح درآمد خانوارهای روستایی دارد. در واقع دسترسی جامعه روستایی به زیرساخت‌های مورد نیاز مانند برق، گاز لوله‌کشی، تلفن، اینترنت و آب‌لوله‌کشی، می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم در توسعه فعالیت اقتصادی، بازاریابی محصولات و تولیدات به‌ویژه از طریق فضای مجازی، کاهش هزینه‌های خانوارها و در نهایت افزایش درآمد جامعه روستایی مؤثر باشد. با توجه به اینکه توسعه مشاغل خدماتی، از دیگر متغیرهای کلیدی مؤثر بر سطح درآمد خانوارهای روستایی بوده است توسعه و گسترش این فعالیت‌ها باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های درآمدزا در سکونتگاه‌های روستایی باشد. با توجه به ارتباط منفی شاغلین بخش کشاورزی با سطح درآمد خانوار از یک سو با سیاست‌های حمایتی پایدار می‌توان این ارتباط منفی را تضعیف نمود و با رونق مشاغل خدماتی مکمل بخش کشاورزی مانند احداث اقامتگاه‌های بوم‌گردی، توسعه آگروتوریسم (گردشگری کشاورزی)، احداث بازارچه‌های محلی، توسعه بازاریابی الکترونیک، ضمن توسعه مشاغل خدماتی، تولیدات و محصولات بخش کشاورزی روستائیان را به شیوه‌های مختلفی به مشتریان عرضه نمود و در نتیجه در سطح درآمد خانوارها را افزایش داد. در راستای تکمیل هرچه بیشتر نتایج پژوهش، موضوعات زیر برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود: شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خدماتی مکان‌محور در مناطق روستایی ایران؛ شناسایی چالش‌ها و موانع درآمدزایی در مناطق روستایی ایران.

۶- منابع

- امینی، عباس، و جمینی، داود (۱۳۹۳). تحلیلی بر ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد نهاد دهیاری با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، تحقیقات جغرافیایی، ۲۹ (۱۱۳)، ۱۷۷-۱۶۹. <http://georesearch.ir/article-1-409-fa.html>
- انصاری سامانی، حبیب، و خیل کردی، ربابه (۱۳۹۸). نرخ بیکاری و نابرابری توزیع درآمد (مورد مطالعه: استان‌های ایران)، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۴ (۸۱)، ۱۵۷-۱۸۶. <https://doi.org/10.22054/ijer.2019.11689>
- بیرانوند، مرتضی؛ فیضی، مهدی، و ملک الساداتی، سعید (۱۳۹۹). تأثیر بیکاری، تورم و حداقل دستمزد بر نابرابری درآمد در مناطق روستایی استان‌های ایران، سیاست‌های راهبردی و کلان، ۸ (ویژه)، ۴۵-۳۰. <https://dori.net/dor/20.1001.1.23452544.1399.8.0.2.5>
- جمشیدی، علیرضا، جمینی، داود، قنبری، یوسف، طوسی، رمضان، و پسرکلو، موسی (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان مینودشت، آمایش جغرافیایی فضا، ۶ (۱۵)، ۲۲۵-۲۱۱. https://gps.gu.ac.ir/article_10160.html
- جمینی، داود، ایراندوست، کیومرث، و جمشیدی، علیرضا (۱۴۰۰). ب. تحلیل فضایی شاخص توسعه انسانی و شناسایی تعیین‌کننده‌های آن در ایران، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۱ (۴۳)، ۳۱-۱۶. <https://doi.org/10.30495/jzpm.2021.4146>
- جمینی، داود، و جمشیدی، علیرضا (۱۴۰۰). مدل‌سازی عوامل مؤثر بر توسعه شاخص‌های کارآفرینی در مناطق روستایی ایران نمونه پژوهش: منطقه اورامانات، استان کرمانشاه، علمی برنامه‌ریزی فضایی، ۱۱ (۴۲)، ۹۴-۷۳. <https://doi.org/10.22108/sppl.2021.128388.1576>



- جمینی، داود، جمشیدی، علیرضا، و عبدالملکی، مهدی (۱۴۰۰). الف. شناسایی چالش‌های اسکان غیررسمی و ارائه راهکارهای عملیاتی - اجرایی برای بهبود آن در استان کردستان (مطالعه موردی: ناحیه منفصل شهری نایسر). *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱۲(۴۷)، ۱۱۱-۱۳۰.
<https://doi.org/10.30495/jupm.2021.27932.3875>
- حجی‌پور، محمد و کریمی‌پور، جواد (۱۳۹۹). واكوی موانع پایداری تولید روستایی در بخش مرکزی شهرستان بشرویه، روستا و توسعه پایدار فضا، ۱(۴)، ۸۷-۱۰۵.
<https://doi.org/10.22077/vssd.2021.4267.1028>
- درویشی، باقر، و شهیک‌تاش، محمدنبی (۱۳۹۲). سنجش نابرابری درآمدی در بین استان‌های ایران (رویکرد عینی و قیاسی از شاخص‌های ایستای ناپارامتریک)، *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۳(۹۶)، ۱۵۶-۱۳۷.
<https://doi.org/10.22096/esp.2013.26157>
- دژپسند، فرهاد؛ عرب‌مازار، عباس، و سیفی، شاپور (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تحصیلات و تجربه بر درآمد افراد، *اقتصاد الگوسازی*، ۷(۲۵)، ۷۵-۱۰۱.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765775.1395.7.25.4.3>
- رضایی قهرودی، زهرا، گنجعلی، مجتبی، و افتخاری مهابادی، سمانه (۱۳۹۲). بررسی تأثیر هم‌زمان برخی عوامل بر وضعیت فقر و درآمد خانوار و وضع فعالیت اقتصادی سرپرستان خانوار، *اقتصاد پولی، مالی*، ۲۰(۶)، ۱۸۹-۱۷۱.
<https://doi.org/10.22067/pm.v20i6.36363>
- زروکی، شهریار، کریمی موغاری، زهرا و اعتمادی، سحر (۱۳۹۹). تحلیل عوامل مؤثر بر احتمال فقر خانوار در ایران با تأکید بر نوع فعالیت، *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۹(۳۶)، ۸۹-۱۲۱.
<https://www.magiran.com/paper/2228266>
- سردارشرکی، علی، امیرزاده، سمیرا، و اکبری، احمد (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۸(۲۸)، ص ۳۱-۴۴.
<http://serd.khu.ac.ir/article-1-3316-fa.html>
- سیفی‌پور، رؤیا، و رضایی، محمدقاسم (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات‌ها، *پژوهش‌نامه مالیات*، ۱۰(۵۸)، ۱۴۲-۱۲۱.
<http://taxjournal.ir/article-1-100-fa.html>
- شورچه، محمود (۱۳۹۴). *مکتب‌های جغرافیایی (از آغاز تا کنون)*، تهران: انتشارات پرهام نقش.
- صلاح‌منش، احمد، افقه، سید مرتضی، انواری، ابراهیم، و عراقی رستمی، زهره (۱۳۹۶). اثر آموزش بر درآمد و هزینه‌های بهداشتی خانوارهای ایرانی، *اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، ۱۴(۱)، ۶۷-۹۵.
<https://doi.org/10.22055/jqe.2017.17291.1353>
- علی اکبری صبا، روشنک، زاهدیان، علی‌رضا، دانش‌پرور، نیما، و باقری، فریده (۱۳۹۵). تعیین توزیع خانوارهای آسیب‌پذیر جامعه در مناطق جغرافیایی کشور، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۴(۸۰)، ۳۳-۵۶.
<http://qjerp.ir/article-1-1766-fa.html>
- قادرمرزی، حامد، جمشیدی، علیرضا، جمینی، داود، و نظری سرمازه، حمید (۱۳۹۴). شناسایی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان شلیل - شهرستان اردل). *برنامه ریزی منطقه‌ای*، ۵(۱۷)، ۱۱۸-۱۰۳.
https://jzpm.marvdasht.iau.ir/article_723.html
- گریوانی، فاطمه، جهانگرد، حلیمه، و شاهنوشی، ناصر (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر درآمد شاغلان روستایی در ایران، *روستا و توسعه*، ۱۸(۱)، ۱۹-۱۰.
<https://doi.org/10.30490/rvt.2018.59418>
- لشکری‌زاده، مریم، نقدی، یزدان، و کاغذیان، سهیلا (۱۳۹۹). تأثیر سرمایه اجتماعی بر نابرابری درآمدی در استان‌های ایران، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۲(۲)، ۱۷۷-۱۸۶.
https://jisd.srbiau.ac.ir/article_16089.html
- مردانی، یاسر و کرمی، آیت‌اله (۱۳۹۲). بررسی نابرابری درآمدی در مناطق روستایی ایران، *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۵(۱)، ۴۷-۶۳.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20086407.1392.5.17.3.8>
- مهدویان، سید محمدرضا، و اسفندیاری، مرضیه (۱۳۹۷). بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران، *راهبرد توسعه*، ۱۴(۵۳)، ۷۹-۱۰۰.
<http://rahbord-mag.ir/Article/13970714164775>
- نظم فر، حسین، محمدی، فاطمه، زاهدی کلاکی، ابراهیم، و عشقی، علی (۱۳۹۵). تحلیل فضایی و سطح‌بندی شهرستان‌های استان گلستان بر اساس شاخص‌های اشتغال، *جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۱۷(۱)، ۲۰-۷.
https://ges.iaun.iau.ir/article_598504.html
- نویبهار، الهام، و قربانی، فهمیده (۱۴۰۰). بررسی رابطه علیت فضایی بین مهاجرت، نابرابری درآمد و فقر در شهرستان‌های ایران، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۱(۴۳)، ۸۳-۱۰۲.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285954.1400.11.43.5.7>
- Bayan, S. and Idris (2021). Analysis of Factors Affecting Fisherman Income in West Sumatera Province, *Advances in Economics, Business and Management Research*, (192), 85-92.
<https://doi.org/10.2991/aebmr.k.211117.039>
- Harishankar, K., Ashok, K.R., Saravanakumar, V., Shalander, K., Duraisamy, M.R and Maragatham, N. (2022). Determinants of Income Diversification among Dairy Farm Households in Tamil Nadu, *Asian Journal of Agricultural Extension, Economics and Sociology*, 40(6): 109-115.
<http://oar.icrisat.org/id/eprint/12086>

- Idrees, M.A., Khan, A., Bibi, M and Shariq, S. (2022). The Factors Affecting the Lower Income Class Of Sindh, Pakistan, *Webology*, 19(2): 5858-5870. <https://www.webology.org/abstract.php?id=2076>
- Jamini, D., and Dehghani, A. (2022). Evaluation and Analysis of Resilience of Rural Tourism and Identification of Key Drivers Affecting It in The Face of The Covid-19 Pandemic (Case Study: Owramanat region in Kermanshah Province). *Journal of Research and Rural Planning*, (Articles in Press). <https://doi.org/10.22067/jrrp.v11i4.2208.1056>
- Juliawati, T.A., Soetrisno and Aji, J.M.M (2021), The Implementation of Farmer Partnership and the Factors Affecting Potato Farmers' Income in Ijen District, Bondowoso, *Advances in Economics, Business and Management Research*, (199), 60-69. <https://doi.org/10.2991/aebmr.k.211214.009>
- Lorinc, B and Kaposzta, J (2022), ANALYSIS OF REGIONAL INCOME INEQUALITIES IN HUNGARY BETWEEN 2010 AND 2019, *21st International Scientific Conference Engineering for Rural Development*, 313-318. <https://ideas.repec.org/p/auo/moftwp/9.html>
- Misdawita, M and Utami, B.C (2022), Analysis of Factors Affecting the Income of Working Women, *International Journal of Management and Business Applied*, 1(2): 124-130. <https://doi.org/10.54099/ijmba.v1i2.321>
- Rahim, A., Hastuti, D. R. D., Bado, B., and Astuty, S. (2022). Are social conditions important to increase household income? The case of coastal fishers in Makassar City, Indonesia. *Journal of Socioeconomics and Development*, 5(2), 179-189. <http://eprints.unm.ac.id/29935/>
- Rehman, S and Rashidi, M.Z (2017), the relationship between education and income inequality (the case of Pakistan), *International Journal of Accounting and Economics Studies*, 5 (1): 55-62. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4057992>
- Riahi, V. and Jamini, D. (2018). A study on the villagers' semantic understanding of functional challenges in rural settlements (Case study: Central District of Ravansar County). *Journal of Research and Rural Planning*, 7(2), 1-23. <https://doi.org/10.22067/jrrp.v5i4.62869>
- Shi, L.; Zhu, C.; Tang, D and Boamah, V. (2022). The Impact of FDI on China's Urban-Rural Income Gap. *Sustainability*, (14), 1-17. <https://doi.org/10.3390/su142013047>
- Sitthiyot, T and Holasut, K. (2016). On Income Inequality and Population Size, *Thammasat Review of Economic and Social Policy*, 2(2): 24-48. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2201.00161>
- Yormawi, I. (2017). Analysis of Social Economic Factors Affecting Cocoa Farmer Income in Pasapa Village, Budong-Budong Sub-District, Central Mamuju District, West Sulawesi Province, *LA GEOGRAFIA*, 16(1): 6-19.
- Zarifjanovna, S.M and Khamza ugli, Y.Y. (2022). The Role Of Improving Household Income And Living Standards In Economic Growth Of A Country, *Ilmiy Tadqiqot Va Innovatsiya*, 1(2), 126-132. <http://ilmiytadqiqot.uz/index.php/iti/article/view/54>

